

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نویسنده: نیکولا لاولور  
فرستنده: عثمان حیدری  
۰۹ دسمبر ۲۰۱۸

## قدرت سیاسی بانک‌های مرکزی



داستان ایدئولوژیک غالب درباره بانک‌های مرکزی این است که خارج ساختن آن‌ها از کنترل دولت‌ها از آن‌ها سیاست‌زدائی کرده و آن‌ها را به بازیگران بی‌طرف «علمی» در اقتصاد تبدیل می‌کند. این بحث می‌گوید با توسعه اقتصاد به یک دانش، که هدف اصلی آن پائین نگه داشتن تورم است، مستقل ساختن بانک‌های مرکزی به آن‌ها امکان می‌دهد بدون محدودیت‌های ناشی از نوسانات انتخاباتی کوتاه مدت سیاست‌های حزبی و دولتی عمل کنند. این نظر ادعا می‌کند که بانک‌های مرکزی فرای نفوذ سیاسی، فرای ایدئولوژی قرار دارند. این کاملاً دروغ است.

**بانک‌های مرکزی مؤسسات عمیقاً ایدئولوژیک و سیاسی هستند که از پاسخگویی و کنترل دمکراتیک خارج شده اند و اکنون، بیش از هر زمان دیگری، منافع سرمایه مالی را نمایندگی می‌کنند.**

تحقیقات زیادی درباره عملکردهای سیاسی بانک‌های مرکزی و این‌که چگونه اعمال نفوذ می‌کنند و چه کسانی را نمایندگی می‌کنند، وجود ندارد؛ اما دو مقاله که به بانک مرکزی اروپائی و این موضوع نگاه می‌کنند ارزش بررسی دارند.

دو مقاله عبارتند از «مرگ از یک هزار زخم؟ قدرت سیاسی مالی و مورد مالیات بر مبادله مالی اروپائی» و «بانکداری مرکزی و قدرت سیاسی مالی: تحقیقی درباره بانک مرکزی اروپائی» نوشته مانولیس کالایترزاک

(Manolis Kalaitzake) از «یونیورستی کالج دوبلین». هر دو مقاله مستقیماً نقش بانک‌های مرکزی اروپائی و روابط آن‌ها را با سرمایه مالی بررسی می‌کنند.

### **کالائیتزاک در «مرگ از یک هزار زخم» مورد «مالیات بر مبادله مالی» را بررسی می‌کند و نشان می‌دهد بانک مرکزی اروپائی چگونه و چرا عملاً این پیشنهاد را کشت.**

طبق اکثر تحقیقات و نظرسنجی‌ها، «مالیات بر مبادله مالی» از حمایت دولت‌های اصلی عضو اتحادیه اروپائی، کمیسیون اتحادیه اروپائی، پارلمان اتحادیه اروپائی، و اکثریت مردم در اروپا برخوردار بود. با این وجود، به تصویب نرسید. و مؤلف نشان می‌دهد که یک دلیل اصلی این، بسیج سیاسی بازیگران مالی، از جمله، خود بانک مرکزی اروپائی بود.

به طور کلی، در پی بحران، اصلاحات مالی عمیق صورت نگرفته است و این عمدتاً به دلیل قدرت سرمایه مالی است. اصلاحات به تعویق افتاده اند، پیشنهادها کنار گذاشته شده اند و در اغلب موارد اصلاحات به طور چشمگیری رقیق و آبکی شده اند. در واقع، ما شاهد انحصاری شدن بیش‌تر این بخش بوده ایم.

نهادهای مالی، مانند «انجمن بازارهای مالی در اروپا» در لابی‌گری و بسیج دیگر بازیگران مالی و غیرمالی نقش سرکردگی را داشتند. چهار استدلال مستمراً علیه «مالیات بر مبادله مالی» به کار گرفته شد:

- ۱- این با انتقال هزینه به کاربران عمدتاً و نهایتاً به زیان آن‌ها خواهد بود،
- ۲- این رقابت‌پذیری اروپائی را کاهش خواهد داد، به مشاغل لطمه خواهد زد و نهایتاً درآمد مالیاتی را کاهش خواهد داد،

۳- مالیات ابزار نظارتی مناسبی نیست،

۴- شواهد تجربی از سویدن در دهه ۱۹۸۰ نشان می‌دهند که «مالیات بر مبادله مالی» کار نمی‌کند.

ارزیابی‌های صورت گرفته از تأثیر «مالیات بر مبادله مالی» نشان داد که تأثیرات آن منفی است. و بانک‌های مرکزی، و به ویژه بانک مرکزی اروپائی هدف لابی‌گری قرار گرفتند. بانک‌های مرکزی بریتانیا و اسپانیا شدیداً درگیر مداخلات سیاسی شدند و سپس، ورود قاطعانه بانک مرکزی اروپائی به بحث، میخ آخر بر تابوت «مالیات بر مبادله مالی اروپائی» بود.

در مقاله دوم، «بانکداری مرکزی و قدرت سیاسی»، مؤلف چگونگی نفوذ بازیگران مالی بر بانک مرکزی اروپائی را بررسی می‌کند و نشان می‌دهد بانک مرکزی اروپائی چگونه از زمان بروز بحران عقیم ساختن اصلاحات مالی، یک متحد مهم بخش مالی بوده است.

به گفته مؤلف، بازیگران مالی از چهار مکانیسم برای اعمال قدرت استفاده می‌کنند:

۱- چرخش نخبگان (خواص) در ساختار قدرت،

۲- جلسه‌های بسته سیاست‌گذاری،

۳- فرار سرمایه، و

۴- «بزرگتر از آن است که ورشکست شود»

این‌ها هم قدرت شخصی و هم قدرت ساختاری را نمایندگی می‌کنند که به ایدئولوژی و مداخله سیاسی بانک مرکزی اروپائی شکل می‌دهند. مقاله، مثال‌ها و شواهدی را از چهار مکانیسم اعمال قدرت از سوی بخش مالی بر بانک مرکزی اروپائی ارائه می‌نماید، به عنوان مثال، مشاغل بخش خصوصی هیأت مدیره کنونی بانک مرکزی اروپائی، شامل کار برای بانک‌ها و همچنین انجمن‌ها و نهادهای مالی. مقاله در مورد جلسه‌های بسته سیاست‌گذاری به این اشاره می‌کند که

ماریو دراگی رئیس بانک مرکزی اروپایی در سه ماه نخست سال ۲۰۱۷ به طور مکرر با بانکداران ملاقات داشت، اما هیچ ملاقاتی با سازمان‌های غیردولتی، سازمان‌های جامعه مدنی، یا سندیکاها نداشت. این روال به طور منظم تکرار می‌شود.

بانک‌های مرکزی نه تنها بی‌طرف، «علمی» یا مستقل نیستند، بلکه دست در دست سرمایه مالی کار می‌کنند، منافع آن را نمایندگی کرده و به نمایندگی از جانب آن در مناظره دمکراتیک مداخله می‌کنند.

<https://socialistvoice.ie/2018/12/the-political-power-of-central-banks>

تارنگاشت عدالت  
منبع: صدای سوسیالیستی